

حسابداری تخصیص منابع (مضاربه، سرمایه‌گذاری و اجاره به شرط تملیک)

در بانک‌داری اسلامی

mtoghyani@gmail.com

مهدی طیفانی / استادیار عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

امیرعباس آجری آیسک / دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه اصفهان

مرجان طاهری صفار / دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت: ۱۳۹۲/۸/۸ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

تفاوت شیوه‌های تخصیص منابع در بانک‌داری بدون ربا و بانک‌داری ربوی مستلزم گسترش نظام حسابداری متفاوت است. این در حالی است که حسابداری موجود در بانک‌های کشور تفاوت چندانی با حسابداری بانک‌های متعارف ندارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی مشکلات حسابداری تخصیص منابع در برخی عقود و قراردادهای (مضاربه، سرمایه‌گذاری و اجاره به شرط تملیک) در بانک‌داری اسلامی است. روش جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر، «کتابخانه‌ای» و «مصاحبه عمیق» و «نظرخواهی» از کارشناسان خبره حسابداری بوده و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است. بررسی‌های انجام شده در مطالعه حاضر، نشان می‌دهد که الگوی حسابداری و گزارش‌گری مالی مرسوم در بانک‌داری ایران، از قابلیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران و الزامات شرعی حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا و نگاه‌داری حساب و گزارش‌گری سود یا زیان مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد حاصل از عقود مشارکتی برخوردار نیست. این روش موجب دور شدن قرارداد «مضاربه» و سرمایه‌گذاری مستقیم از ماهیت خود می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حسابداری، بانک، عقود، ربا، اسلام، مضاربه، مشارکت، اجاره.

طبقه‌بندی JEL: G24, M41, P4

مقدمه

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، یکی از ضرورت‌هایی که در دستور کار نظام اسلامی قرار گرفت، تغییر نظام بانکداری کشور به بانکداری بدون ربا بود. این تغییر با ملی کردن بانک‌ها توسط شورای انقلاب آغاز و با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۶۳ وارد مرحله جدیدی از بانکداری در ایران شد. از آن زمان تاکنون، قریب سه دهه سپری شده و در تمام این مدت، همواره با این سؤالات مواجه بوده که آیا این نظام بانکی واقعاً غیرربوی است و یا فقط تغییرات صوری در نظام قبلی انجام شده و حقیقت آن همچنان باقی است؟ آیا این نظام جدید بانکی از کارایی لازم برای گردش سالم وجوه در بخش‌های اقتصادی برخوردار است؟ چگونه می‌توان از مرحله گذار بانکداری بدون ربا برای تحقق نظام بانکداری اسلامی بهره برد؟

به هر روی، گذشت قریب به سه دهه از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران، لزوم ارزیابی و تحلیل فرایندها و وضعیت گذشته، حال و آینده آن را ضروری می‌سازد. از جمله مسائل اجرایی بانکداری بدون ربا، ویژگی‌ها و تفاوت‌های ماهوی آن با نظام بانکداری متعارف و ربوی است. این تفاوت ماهوی، طراحی فرایندهای موجود در عملیات بانکی را متناسب با روح نظام بانکداری جدید ضروری می‌سازد.

رشد و شکوفایی بانکداری اسلامی در جهان اسلام و حتی سایر کشورهای غیراسلامی حاکی از وجود ظرفیت بالقوه مناسب این دستاورد نظام مالی اسلامی در دنیای کنونی است. آسیب‌شناسی مداوم و حرکت به سمت رفع مشکلات آن رسالت مجامع علمی و پژوهشگران اقتصاد و مالی اسلامی است.

از جمله مسائل موجود نظام بانکداری بدون ربا در ایران، فرایندهای حسابداری و ثبت فعالیت‌های انجام شده مالی و بانکی در آن است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فرایندهای مذکور اگرچه در ظاهر تغییراتی داشته، ولی در عمل، تا حد زیادی دست نخورده و بدون تغییر باقی مانده و کماکان همانند عملیات حسابداری در بانکداری متعارف عمل می‌شود (علوی رضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵). برای مثال، زمانی که شخص یا بنگاهی با بانک قرارداد مشارکت منعقد می‌کند و از طریق آن سهم‌الشرکه بانک در قالب تسهیلات مشارکتی در اختیارش قرار می‌گیرد، لازم است در اسناد مالی طرفین این رویداد به گونه‌ای منعکس شود که به بهترین وجه، گویای فعالیت مذکور باشد و در نهایت، به حفظ حقوق مالی واقعی طرفین بینجامد. تحقق این امر مستلزم آن است که تمام رویدادها و تراکنش‌های مرتبط با فعالیت موضوع تسهیلات، به نوعی در اسناد حسابداری بنگاه تسهیلات گیرنده و بانک ثبت شود تا محاسبه و تعیین سود یا زیان فعالیت مزبور، به‌طور مجزاً از سایر فعالیت-

ها امکان‌پذیر باشد و سهم بانک از سود حاصل از عملیات، از دفاتر حسابداری بنگاه مذکور استخراج گردد. این در حالی است که نه تنها عملیات حسابداری عقود مشارکتی در نظام‌های حسابداری و گزارش‌گری مالی کنونی به صورت جداگانه نگه‌داری نمی‌شود، بلکه عملیات حسابداری مربوط به موضوع تسهیلات نیز در دفاتر گیرنده تسهیلات به صورت جداگانه ثبت و گزارش نمی‌شود. به همین سبب، امکان محاسبه هیچ‌گونه سود یا زیانی در عمل وجود ندارد. این رویه موجب نوعی صوری شدن فعالیت‌های مالی مرتبط می‌گردد. به عبارت دیگر، هیچ‌یک از طرفین بانک و تسهیلات گیرنده براساس الزامات مشارکت واقعی، در سود و زیان عمل نمی‌کنند و صرفاً همانند نظام بانکداری متعارف در اسناد مالی خود رفتار می‌نمایند.

بدین‌رو، آسیب‌شناسی و ایجاد تحول اساسی در حوزه حسابداری و گزارش‌گری مالی مرتبط با مبانی قانونی و الزامات شرعی ناشی از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از ضروریات واقعی‌سازی و توفیق در اجرای عملیات بانکی بدون ربا و دستیابی به اهداف این نظام است.

اما سؤالاتی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ آن است:

آیا حسابداری تخصیص منابع در بانکداری اسلامی اشکالاتی دارد؟

آیا الگوی حسابداری و گزارش‌گری مالی، که نظام بانکداری ایران بدان پایند است، از قابلیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران و ضرورت‌های حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا برخوردار است؟

آیا الگوی حسابداری مرسوم در نظام بانکداری کشور قادر به نگه‌داری حساب و گزارش‌گری سود یا زیان واقعی حاصل از عقود مشارکتی هست؟

ادبیات نظری تحقیق

قانون «عملیات بانکی بدون ربا» کشور در شهریور ماه سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس به تأیید شورای نگهبان رسید و از ابتدای سال ۱۳۶۳ در تمام بانک‌ها به اجرا گذارده شد. محور اصلی این قانون، حذف بهره و عملیات ربوی از نظام بانکی است. براساس فصل دوم این قانون «تجهیز منابع پولی»، بانک‌ها می‌توانند تحت عناوین «سپرده‌های قرض الحسنه» یا «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار» سپرده‌های مردم را جذب کنند و منافع حاصل از عملیات خود را براساس قرارداد منعقد شده، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک، به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم نمایند. فصل سوم این قانون نیز به مسئله تخصیص

منابع از طرف بانک‌ها می‌پردازد که برجسته‌ترین مشخصه آن تأمین نیازهای مالی متقاضیان از طریق معاملات و قراردادهای مجاز شرعی در عین اجتناب از ربا در تمام فرایندهای مذکور است.

بر اساس مفاد این قانون، بانک‌ها می‌توانند از طریق قراردادهای مشارکتی شامل مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات، تمام یا بخشی از سرمایه‌ای را که بنگاه‌های اقتصادی نیاز دارند تأمین کنند. مهم‌ترین ویژگی این قراردادها انتظار انتفاعی بودن، متغیر بودن نرخ سود، اذنی بودن قرارداد و نیاز به نظارت و بررسی است و برخلاف ماهیت قراردادهای مبادله‌ای، که تحقق انتفاع در آنها حتمی است، در قراردادهای مشارکتی، تحقق انتفاع «انتظاری» بوده و طرفین قرارداد (بانک و متقاضی تسهیلات) انتظار دارند طبق پیش‌بینی خود، سودی داشته باشند، اما در عمل، ممکن است چنین سودی محقق نگردد. از سوی دیگر، در قراردادهای مشارکتی، در ابتدای قرارداد می‌توان سهم سود بانک و نرخ سود انتظاری را برآورد کرد، اما سود واقعی در پایان قرارداد و مشخص شدن نتایج عملکرد موضوع مشارکت معلوم می‌شود و به صورت طبیعی، از موضوعی به موضوع دیگر، متفاوت خواهد بود؛ چنان که ممکن است برای قرارداد خاصی، نرخ سود، صفر و حتی منفی (زیان) باشد. در نتیجه، سود بانک از محل قراردادهای مشارکتی، متغیر و در پایان دوره مالی معلوم می‌شود (موسویان، ۱۳۸۴).

«حسابداری» نظامی است که در آن فرایند جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ثبت، خلاصه کردن اطلاعات و تهیه گزارش‌ها و صورت‌های مالی در شکل‌ها و الگوهای خاص انجام می‌گیرد تا افراد ذی‌نفع درون سازمان و یا برون سازمان بتوانند از این اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های خود استفاده کنند. اجرای صحیح مفاد قانون «بانکداری بدون ربا» با تأکید بر عمل واقعی به موضوع قرارداد، مستلزم آن است که نوع حسابداری بانک‌ها و دستگاه حسابداری تسهیلات گیرنده از چنان قابلیت برخوردار باشد که امکان محاسبه، تعیین و نظارت بر سود و زیان موضوع را برای طرفین به شیوه‌ای قابل اتکا و اعتماد فراهم کند (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۰).

امروزه برای نظارت بیشتر بر عملیات حسابداری و حسابرسی بنگاه‌ها و مؤسسات مالی و اقتصادی، استانداردهای ایجاد و انتشار گزارش‌های مالی و حسابداری تدوین و اعلام می‌گردد. در سال ۱۳۶۶ در ایران از تلفیق و ادغام چهار مؤسسه حسابداری بخش عمومی «سازمان حسابداری» تشکیل شد و اساس‌نامه قانونی سازمان مزبور در حکم استاندارد ملی حسابداری پشتوانه قانونی یافت و این سازمان به‌عنوان مرجع رسمی تدوین استانداردهای حسابداری در ایران شناخته شد. «سازمان حسابداری» با تداوم فعالیت‌های قبلی در زمینه ترجمه استانداردهای بین‌المللی حسابداری و توضیح چگونگی اجرای استانداردهای حسابداری در نشریات دیگر، اقدامات و مطالعات گوناگونی در زمینه

تدوین استانداردهای حسابداری کشور به عمل آورد و سرانجام در سال ۱۳۸۹، مجموعه‌ای حاوی ۳۲ استاندارد تصویب و منتشر کرد. اگرچه استانداردهای حسابداری کشور به کلیات و اجزای فرایند حسابداری هر زمینه‌ای می‌پردازد، با این حال، در خصوص بانکداری مبتنی بر عقود در کشور، هنوز استاندارد خاصی تدوین و ابلاغ نشده است.

لازم به ذکر است که از لحاظ استانداردسازی حسابداری و گزارش‌گری مالی، در دنیا نهادهایی به‌وجود آمده و مشغول فعالیت هستند که از آن جمله، می‌توان به «کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری» اشاره نمود. این کمیته از ۱۹۷۵ تاکنون، مصوباتی در قالب ۴۱ استاندارد وضع نموده که ۳۴ استاندارد آن برای کشورهای عضو لازم‌الاجراست (IASB, 2009).

در جهان اسلام نیز «بانک توسعه اسلامی» (IDB) برای استاندارد کردن فرایندهای مالی اسلامی در سال ۱۹۹۱ و با هدف تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری، حسابرسی، حاکمیتی و اخلاقی مربوط به فعالیت نهادهای مالی اسلامی با پیروی از اصول شرعی و در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی اقدام به تأسیس «سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی» (AAOIFI) کرد که این نهاد نیز تاکنون ۲۶ استاندارد حسابداری و ۵ استاندارد حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی تهیه کرده است (بدرالدین، ۲۰۰۳).

پیشینه تحقیق

با توجه به تفاوت میان ماهیت بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف، همواره اصلاح ساختارهای نهادی بانک، از جمله نظام حسابداری آن مدنظر بوده است. «سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی» نیز به همین منظور و برای ایجاد هماهنگی میان بانکها و مؤسسات مالی اسلامی تشکیل شده است.

پژوهشگران و اندیشمندان مسلمان حسابداری پژوهش‌های متعددی در زمینه انطباق عملیات بانکداری با قوانین مطرح در شریعت اسلام انجام داده‌اند که عمدتاً بر چگونگی محاسبه و توزیع سود بین بانک و مشتری و همچنین تحمل مخاطره از سوی طرفین متمرکز است. مهم‌ترین این پژوهش‌ها مجموعه تحقیقاتی است که توسط «بانک توسعه اسلامی» (IDB) انجام شده و نتایج آن در ۵ جلد تنظیم و در کتابخانه «مؤسسه تحقیق و آموزش اسلامی بانک توسعه اسلامی» نگه‌داری می‌شود. نتیجه این تحقیقات منجر به تأسیس «سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی» شد که در ۲۷ مارس ۱۹۹۱ م در بحرین به ثبت رسید. پیروی از استانداردهای این سازمان در برخی کشورها از جمله

بحرین، اردن، سودان و قطر الزامی است و در مؤسسه پولی عربستان به عنوان راهنما و در هیأت استانداردهای حسابداری مالزی (MASB) به عنوان مبنای توسعه استانداردهای حسابداری از آن استفاده می‌شود (سایت رسمی AAOIF).

در حوزه حسابداری اسلامی نیز پژوهش‌های متعددی برای دستیابی به یک الگوی حسابداری و گزارش‌گری مالی در محیط‌های اقتصادی اسلامی انجام شده است که از جمله، می‌توان به تحقیقات *ملیاه سلیمان* اشاره نمود که طی چندین پژوهش به نتایج منسجم و قابل اتکایی درخصوص گزارش‌گری مالی اسلامی دست یافت. پایان‌نامه دکتر *شاهول حمید* در دانشگاه «داندی» اسکاتلند، که در سال ۲۰۰۰ با عنوان «نیاز به حسابداری اسلامی» تدوین شده، نیز در همین رابطه قابل ذکر است.

از پژوهش‌های خاص در حوزه گزارش‌گری مالی بانکداری اسلامی، تحقیق *بسّام مآلی* و همکاران او با عنوان «گزارش‌گری اجتماعی توسط بانک‌های اسلامی» را می‌توان یکی از پژوهش‌های مهم انجام شده دانست. یافته‌های این مطالعه نشان داد که مقولات اجتماعی نگرانی عمده بانک‌های اسلامی محسوب نمی‌شود و انتشار گزارش هیأت نظارت شرعی نیز حاکی از توجه بانک‌های اسلامی به جلب اطمینان مشتریان و کاربران از صورت‌های مالی نسبت به پیروی بانک از اصول اسلامی است (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

در ایران نیز تاکنون پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در حوزه بانکداری اسلامی صورت پذیرفته که بیشتر به مقوله نظام بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری ربوی از منظر مبانی اقتصادی و پرداخته است. ولی در حوزه حسابداری و گزارش‌گری مالی نظام مزبور، تحقیقات زیادی صورت نگرفته است البته لازم به ذکر است که بررسی فقهی، پیش‌زمینه و مقدمه‌ای برای بررسی مشکلات حسابداری و گزارش‌گری مالی است.

یکی از معدود تحقیقات در ایران، پژوهشی است که توسط *باباجانی* و *شکرخواه*، ۱۳۹۱، تحت عنوان «مدل مناسب برای بانکداری اسلامی در ایران با تأکید بر عقود مشارکتی» صورت گرفته است. در این تحقیق، ضمن انجام مطالعات نظری، با استفاده از روش «دلفی» و کسب نظر از ۹۶ صاحب‌نظر، نارسایی‌های نظام حسابداری بانک‌ها شناسایی گردیده است. علاوه بر این، از کاربرد نظریه «وجوه» و نظام حسابداری حساب‌های مستقل همراه با «چارچوب مفهومی مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی»، نظرخواهی شد. براساس یافته‌های این پژوهش، عوامل کلیدی یک الگوی حسابداری و گزارش‌گری مالی مبتنی بر مبانی قانونی «عملیات بانکداری بدون ربا» تبیین و پیشنهاد شده است.

یکی دیگر از تحقیقات انجام شده در زمینه حسابداری در «نظام بانکداری بدون ربا»، پژوهشی است که توسط سید ابوالفضل دلقندی، ۱۳۷۶، با عنوان «بررسی ساختارهای مالی و حسابداری عملیات بانکی بدون ربا» صورت گرفته و در چند بخش به بررسی نظام حسابداری منابع بانک، بررسی و طبقه‌بندی تسهیلات اعطایی، بررسی نظام حسابداری هریک از عقود، ضرورت و اهمیت تهیه شاخص‌های مالی به منظور برآورد کارایی بانک و بررسی روش‌های حسابداری طرف‌های قرارداد بانک پرداخته است (دلقندی، ۱۳۷۶).

از دیگر پژوهش‌های این عرصه نیز می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد خسروی فارسانی، ۱۳۸۵، با موضوع «میزان انطباق رویه‌های حسابداری بانک‌ها و مقایسه با استانداردهای حسابداری مالی اسلامی و استاندارد بین‌المللی» اشاره نمود. وی با هدف کمک به تدوین استانداردهای حسابداری در صنعت بانکداری کشور در زمینه عقود اسلامی و نحوه افشای اطلاعات در صورت‌های مالی بانک‌ها متناسب با شرایط سیاسی - اقتصادی و منطبق بر نظریه‌های حسابداری، به بررسی نحوه افشای اطلاعات در صورت‌های مالی بانک‌ها و صورت‌های مالی شش بانک تجاری «ملی»، «ملت»، «صادرات»، «تجارت»، «سپه»، «رفاه کارگران» و صورت‌های مالی دو بانک خصوصی «پارسیان» و «اقتصاد نوین» به عنوان نمونه پرداخته است. این تحقیق، که با روش مطالعه «کتابخانه‌ای» و بررسی متون و محتوا و روش‌های میدانی همچون «مصاحبه» و «مشاهده» به بررسی موضوع پرداخته است، در پایان جمع‌بندی می‌کند که مغایرت‌های فراوانی بین نحوه عمل در ایران با استانداردهای مالی اسلامی وجود دارد و همچنین افشای صورت‌های مالی بانک‌های ایران مطابق استاندارد بین‌المللی حسابداری (IAS30) نیست (خسروی فارسانی، ۱۳۸۵).

در این مقاله به منظور تکمیل پژوهش‌های قبلی، به بررسی و ارزیابی حسابداری قرار دادهای مضاربه، سرمایه‌گذاری و اجاره به شرط تملیک در بانکداری اسلامی می‌پردازیم.

بررسی نحوه حسابداری برخی قراردادهای بانکی ۱. قرارداد «مضاربه»

«مضاربه» قراردادی است که به موجب آن، یکی از طرفین (مالک) عهده‌دار تأمین سرمایه می‌گردد (نقدی) با قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کند و هر دو در سود حاصل شده شریک باشند (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳).

در میان عقود اسلامی، که در محدوده معاملات بانکی به کار گرفته می‌شود، «مضاربه» مناسب‌ترین شکل برای انواع فعالیت‌های تجاری است که همه بازرگانان و کسانی که به کسب و کار اشتغال دارند، در

صورت نیاز به سرمایه، می‌توانند با مراجعه به بانک و انعقاد قرارداد «مضاربه»، وجه لازم را دریافت نموده، به کار تجاری مورد نظر بپردازد (سهیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱).

«بانک‌داری بدون ربا» از این روش در جهت حصول به یکی از اهداف خود، که گسترش امور بازرگانی است، تسهیلاتی را به‌عنوان مالک (سرمایه نقدی و منابع) در اختیار عاملی که می‌تواند شخص حقیقی و یا حقوقی باشد، می‌گذارد. البته باید گفت: در ایران، مضاربه بانک‌ها با بخش خصوصی در کار واردات مجاز نیست (بهمنی، ۱۳۸۲، ص ۳۶).

تجهیز منابع برای استفاده در اعطای تسهیلات مضاربه با ایجاد رابطه وکالت میان سپرده‌گذار و بانک انجام می‌گیرد و از این طریق، بانک به وکالت از سوی سپرده‌گذار، به سرمایه‌گذاری در قالب مضاربه مبادرت می‌ورزد. سود در این نوع از قرارداد، سرمایه‌گذاری انتظاری است و سود واقعی در پایان دوره معین می‌گردد. حساب‌داری موجود در این قراردادها، از اصول حساب‌داری شرکت‌ها پی‌روی، بحث سرمایه و سود و زیان مطرح است (گنابادی، ۱۳۷۲، ص ۳۱).

وضعیت موجود عملیات حساب‌داری عقد مضاربه:

آنچه را در حال حاضر، در ثبت عملیات حساب‌داری قراردادهای مضاربه در جریان است، می‌توان در قالب جدول ذیل مشاهده نمود:

جدول ۱: عناوین فرایند حساب‌داری در قرارداد مضاربه

شماره ثبت	نام ثبت
۱	ثبت قرارداد مضاربه
۲	ثبت وثایق و تضمینات
۳	ثبت حق صلح هزینه‌های احتمالی
۴	تمبر مالیاتی
۵	ثبت تعهدات بانک
۶	پرداخت سرمایه مضاربه
۷	برگشت تعهدات
۸	فروش کالای مضاربه
۹	پرداخت سرمایه مضاربه
۱۰	برگشت تعهدات
۱۱	فروش کالای مضاربه

۱) ثبت قرارداد مضاربه:

بدهکار	بستانکار
حساب انتظامی قراردادهای (قراردادهای مضاربه)	طرف حساب‌های انتظامی قراردادهای (قراردادهای مضاربه)
۱ ریال	۱ ریال

عملیات «حسابداری ثبت قرارداد» به منزله وجود قراردادی بین بانک و مشتری است. این نوع ثبت‌ها فقط جنبه آماری و کنترلی دارد و در بانک در خصوص اوراق حقوقی و دارای ارزش، به منزله وجود سابقه ثبت می‌گردد. از ویژگی‌های این حساب‌ها آن است که به هیچ وجه، در متن ترازنامه گزارش نمی‌شود و صرفاً ذیل ترازنامه و یا در یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی افشا می‌گردد.

۲) ثبت وثایق و تضمینات:

بدهکار	بستانکار
حساب انتظامی وثایق و تضمینات به مبلغ ترهین یا اسمی	طرف حساب‌های انتظامی وثایق و تضمینات به مبلغ ترهین یا اسمی

نوعی ثبت آماری و حسابداری و به منزله وجود وثایق و تضمینات برای نظارت، نگه‌داری و بازرسی در هنگام پی‌گیری وصول وثایق است.

۳) ثبت حق صلح هزینه‌های احتمالی:

بدهکار	بستانکار
حساب هزینه‌های متفرقه (حق صلح قراردادهای مضاربه) ۱/۰۰۰ ریال	حساب جاری عامل ۱/۰۰۰ ریال

واریز مبلغ ۱۰۰۰ ریال به حساب مشتری که به منزله قبول ضرر و زیان توسط مشتری است. این ثبت، قرارداد مضاربه را از ماهیت خود دور کرده، نوعی پوشش ریسک و بیمه اصل و سود سرمایه توسط مشتری است که در صورت زیان‌ده بودن، مشتری مجبور به پرداخت سود تضمین شده خواهد بود.

۴) تمبر مالیاتی:

بدهکار	بستانکار
حساب جاری/صندوق ۳۰/۰۰۰ ریال	تمبر مالیاتی ۳۰/۰۰۰ ریال

برای الصاق تمبر مالیاتی به اوراق و قراردادهای مضاربه به منظور برخورداری از جنبه حقوقی این دسته از قراردادها انجام می‌گیرد.

۵) ثبت تعهدات بانک:

بدهکار	بستانکار
طرف حساب تعهدات بانک بابت مضاربه به میزان مانده پرداخت نشده	حساب تعهدات بانک بابت مضاربه به میزان مانده سرمایه پرداخت نشده

با ثبت قرارداد، نوعی تعهد مبنی بر پرداخت سرمایه برای بانک ایجاد می‌گردد؟ چراکه ممکن است زمان پرداخت سرمایه با زمان ثبت قرارداد متفاوت باشد. برای نشان دادن تعهد به وجود آمده برای بانک، این ثبت صورت می‌گیرد که نشان‌دهنده تعهد بانک برای پرداخت سرمایه تعهد شده در قرارداد مضاربه است.

۶) پرداخت سرمایه مضاربه:

بستانکار	بدهکار
حساب صندوق یا جاری عامل به میزان سرمایه پرداخت شده	حساب مضاربه - تسهیلات اعطایی به میزان سرمایه پرداخت شده

این ثبت هنگام پرداخت سرمایه مضاربه به عامل صورت می‌گیرد. می‌توان گفت: این اولین ثبتی است که از نظر مالی، بانک را درگیر قرارداد مضاربه می‌کند و در ترازنامه، جزو دارایی بانک محسوب می‌گردد.

۷) برگشت تعهدات:

بستانکار	بدهکار
طرف حساب تعهدات بانک بابت مضاربه به میزان انجام تعهد	حساب تعهدات بانک بابت مضاربه به میزان انجام تعهد

با پرداخت سرمایه به عامل توسط بانک (ثبت ۶)، بانک به تعهدات خود عمل می‌کند و باید حساب تعهدات تسویه گردد. این ثبت، معکوس ثبت ردیف ۵ بوده و دلیل بر انجام تعهد بانک برای پرداخت سرمایه است.

۸) فروش کالای مضاربه:

بستانکار	بدهکار
حساب مضاربه - وجوه دریافتی معادل مبلغ واریز شده	حساب صندوق یا جاری عامل معادل مبلغ واریز شده

مطابق قرارداد «مضاربه»، همزمان با فروش کالا، وجه آن باید به تدریج، به بانک پرداخت گردد. این ثبت هنگام پرداخت وجوه به بانک انجام می‌شود و در ترازنامه بانک، جزو بدهی‌ها قلمداد می‌گردد.

۹) محاسبه سود و تسویه حساب مضاربه:

بستانکار	بدهکار
حساب مضاربه - تسهیلات اعطایی به میزان سرمایه پرداخت شده	حساب مضاربه - وجوه دریافتی به میزان سرمایه پرداخت شده

این ثبت به معنای تسویه اصل وجه مضاربه است. در هنگام تسویه، ابتدا اصل سرمایه از وجوه حاصل از فروش برگشت داده می‌شود. در صورت سوددهی به معامله، ثبت ذیل انجام می‌شود و سهم سود بانک و مشتری از محل وجوه حاصل از فروش، پرداخت می‌گردد:

بدهکار	بستانکار
حساب مضاربه _ وجوه دریافتی به میزان کل سود مضاربه	حساب جاری عامل به میزان سهم سود عامل طبق قرارداد حساب سود دریافتی به میزان سهم سود بانک طبق قرارداد

در صورت زیان‌دهی معامله نیز پیش‌بینی شده است که مقدار زیان سرمایه از حساب مشتری برداشت شود؛ چراکه مطابق بند (۳) بانک زیان احتمالی را بیمه کرده و عامل زیان احتمالی را پذیرفته بود، از این‌رو، بانک می‌تواند مقدار زیان سرمایه را از حساب مشتری برداشت کند. لازم به ذکر است که گرچه ثبت زیان احتمالی نیز در فرایند حسابداری پیش‌بینی شده است، اما معمولاً محاسبه سود علی‌الحساب مطابق آنچه در قرارداد تعیین گردیده، همزمان با دریافت اصل سرمایه باز می‌گردد.

بدهکار	بستانکار
حساب جاری عامل به میزان خسارت وارد شده بر اصل سرمایه	حساب مضاربه _ وجوه دریافتی به میزان خسارت وارد شده بر اصل سرمایه

۱۰) برگشت قرارداد:

بدهکار	بستانکار
طرف حساب انتظامی قراردادها (مضاربه) ۱ ریال	حساب انتظامی قراردادها (مضاربه) ۱ ریال

پس از تسویه قرارداد مضاربه، قرارداد تمام شده است و باید از ردیف قراردادهای جاری بانک خارج شود. این ثبت نیز به منزله خروج آماری قرارداد مضاربه و اتمام عملیات مضاربه است.

۱۱) برگشت وثائق:

بدهکار	بستانکار
طرف حساب انتظامی وثائق و تضمینات مربوط به مبلغ ترهین یا اسمی	حساب انتظامی به مبلغ ترهین یا اسمی

همزمان با اتمام قرارداد مضاربه، باید وثایق مضاربه نیز از وثایق در اختیار بانک خارج شود و این ثبت نیز به منزله خروج وثایق و اتمام عملیات مضاربه است (بانک مرکزی ج.ا. ایران).

نقد و بررسی

مضاربه در واقع، نوعی سرمایه‌گذاری بازرگانی و تجاری است، از این‌رو، سرمایه‌واگذار شده به طرف مقابل (عامل) نباید بدهی تلقی شود و مشابه بدهی با آن برخورد گردد.

مشکلی اصلی عملیات حسابداری مضاربه، بند ۳ (ثبت حق صلح هزینه‌های احتمالی) است که بانک با واریز مبلغ ۱/۰۰۰ ریال، خود را در هر نوع هزینه و نیز زیان ناشی از قرارداد بیمه کرده،

همه را بر عهدهٔ عامل (وام گیرنده) می‌گذارد. این امر با اصل قرارداد «مضاربه»، که در صورت زیان، اگر عامل در انجام تجارت کوتاهی نکرده باشد، زیان بر عهده سرمایه‌گذار (بانک) هم هست، مغایرت دارد. قانون مدنی منطبق بر این نگاه شرعی، در این زمینه آورده است: «در عقد مضاربه، نمی‌توان شرط نمود که خسارت حاصله از تجارت متوجه عامل باشد و چنانچه چنین شرطی ذکر شود عقد باطل است، مگر اینکه به‌طور لزوم شرط شود که عامل از مال خود به مقدار خسارت مجاناً به مالک تملیک کند» (ماده ۵۵۸ قانون مدنی). منظور از عبارت «به‌طور لزوم» در این ماده، آن است که امر مزبور ضمن عقد لازم، شرط قرار داده شود که در حساب‌داری موجود، چنین موضوعی مشاهده نمی‌شود؛ ضمن اینکه بعضی از فقها اساساً این شرط را صحیح نمی‌دانند و معتقدند: اقتضای عقد مضاربه ایجاب می‌نماید که خسارت وارد شده متوجه صاحب سرمایه باشد. با توجه به عملیات حساب‌داری این قرارداد، به‌ویژه در صورت زیان‌دهی معامله، زیان بر عهدهٔ عامل است که این با اصل قرارداد مضاربه مغایرت دارد. استاندارد ۳ حساب‌داری سازمان حساب‌داری و حساب‌رسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)، که به تأمین مالی مضاربه اختصاص دارد، در بند ۱۷ خود تصریح می‌کند: «زیان‌های ناشی از تسویهٔ حساب باید در زمان تسویه، از طریق کاهش سرمایهٔ مضاربه شناسایی شود.» (استانداردهای حساب‌داری مؤسسات مالی اسلامی تدوین شده توسط (سازمان حساب‌داری و حساب‌رسی مؤسسات مالی اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷)

علاوه بر این، محاسبهٔ سود پس از اتمام مضاربه از جمله ویژگی‌های این عقد شرعی است. استاندارد ۳ حساب‌داری مؤسسات مالی اسلامی نیز ضمن تأکید بر این ویژگی، در بند ۱۴ آورده است: سود یا زیان متعلق به سهم بانک اسلامی از معاملات تأمین مالی مضاربه، که طی یک دورهٔ مالی جداگانه شروع و تمام می‌شود، در زمان تسویه شناسایی می‌گردد. با این حال، در حساب‌داری «بانک‌داری بدون ربا» این وضعیت نادیده گرفته می‌شود و در مراحل عملیات حساب‌داری، همان شیوهٔ سابق در خصوص محاسبهٔ همزمان و معین اصل و سود سرمایه در ازای پرداخت سرمایهٔ معینی در آغاز دوره به‌کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، عملیات «حساب‌داری بازگشت اصل و سود سرمایه در عمل، به تدریج و به‌صورت همزمان انجام می‌گیرد.

به سبب ساختار مشخص عقد «مضاربه»، در این قرارداد ریسک‌های مربوط به حفظ اصل سرمایه و همچنین هزینهٔ فرصت از دست رفته بالاست، درحالی‌که عامل با صفت «امین» شناخته می‌شود و در صورت سود، سهم خود را به‌دست می‌آورد؛ همچنان‌که در صورت زیان نیز صرفاً اصل سرمایه متحمل زیان می‌گردد، مگر اینکه عامل در این زمینه مقصّر شناخته شود. به عبارت

دیگر؛ در این قرارداد، نرخ بازگشت سرمایه قابل پیش بینی نیست و همبستگی کاملی نیز بین نرخ بازگشت سرمایه و هزینه سرمایه وجود دارد.

در قرارداد مضاربه، عامل امین است و در صورت زیان و یا ایجاد هر نوع خسارت به اصل سرمایه بدون تعدی و تفریط، مقصر نیست. این فرایند با مرحله ثبت دریافت وثایق به میزان اصل سرمایه و سود مورد انتظار، به شدت زیر سؤال می‌رود؛ چراکه دست‌کم باید ذمه وی در حد اصل سرمایه مشغول شود و در صورت اثبات تعدی و تفریط، از وثایق او استفاده گردد.

در حسابداری قرارداد مضاربه، هیچ‌گونه تکلیف مجزایی برای هزینه‌ها در نظر گرفته نشده و همه یک‌طرفه به عامل منتقل می‌گردد و یا در اصل سرمایه محاسبه می‌شود، در حالی که در حسابداری مضاربه، لازم است هزینه‌های انجام فعالیت (حمل و نقل، انبارداری، بیمه، هزینه گمرکی و سود بازرگانی، حق ثبت سفارش و مانند آن) به صورت مجزا، مشخص و تعیین تکلیف شده، ثبت جداگانه‌ای برای آنها در نظر گرفته شود.

عملیات حسابداری مزبور نشان می‌دهد که عمل مضاربه در نظام بانکداری کنونی به صورت سنتی ثبت می‌شود و دلایل و قراین مذکور نیز مؤید همین است. برای نیل به وصفیت مطلوب، اقدامات لازم از جمله، اعتبارسنجی مشتری، نظارت دقیق بر انجام معامله مضاربه، و محاسبه سود و زیان واقعی موجب می‌شود عملیات حسابداری بانک‌ها بهبود یابد. همچنین است:

- دریافت نکردن وثیقه و یا دست‌کم پیش‌بینی آن در حد اصل سرمایه، که در صورت وجود سوء مدیریت و قصور احتمالی عامل قابل تأدیه باشد و نه معادل اصل و سود سرمایه، که قطعاً مخالف روح حاکم بر قرارداد مضاربه است.

- حذف ثبت شماره ۳ (ثبت حق صلح هزینه‌های احتمالی) و پیش‌بینی جداگانه هزینه‌ها و زیان احتمالی؛
- عدم دریافت همزمان سود و اصل سرمایه در طول مدت قرارداد و انجام تسویه حساب سود به صورت واقعی پس از اتمام مدت قرارداد؛

ثبت حسابداری در صورت زیان‌دهی با شرط اینکه عامل در انجام معامله مضاربه کوتاهی نکرده باشد که باید به صورت زیر انجام شود:

بدهکار	بستانکار
بانک _ حساب پرداختی به میزان خسارت وارد شده بر اصل سرمایه	حساب مضاربه _ وجوه دریافتی به میزان خسارت وارد شده بر اصل سرمایه

۲. قرارداد «مشارکت»

«شرکت» عبارت است از: اجتماع حقوق مالکان متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه. شرکت به‌طور

کلی، به اعتبار حقوق مالکیت شرکا تشکیل می‌شود، نه خود شرکا، و موضوع مشارکت باید معین باشد و هریک از شرکا نسبت به آن مالکیت داشته باشند. منظور از «اشاعه» آن است که مالکیت هریک از شرکا محدود به جزء خاص و معینی از شیء موضوع مشارکت نباشد، بلکه در کل آن تعمیم داشته باشد (ماده ۵۷۱ قانون مدنی).

«مشارکت مدنی» طبق دستورالعمل قانون «عملیات بانکی بدون ربا» عبارتست از در آمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع، به منظور انتفاع و طبق قرارداد (والی‌نژاد، ۱۳۶۸، ص ۳۹).

قرارداد مشارکت در بخش‌های تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی و مسکن)، بازرگانی (داخلی، صادرات و واردات) و خدمات کاربرد دارد. برخلاف مضاربه که بانک سرمایه نقدی لازم را به صورت انحصاری تأمین می‌کند، در مشارکت مدنی، سرمایه، اعم از نقدی و غیرنقدی، به صورت مشارکتی توسط بانک و شریک انجام می‌شود (احسانی، ۱۳۸۲، ص ۷۹).

موضوع مشارکت باید در قراردادهای منعقد شده کاملاً مشخص باشد و واحدها موظفند پیش از مبادرت به انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، عملیات موضوع مشارکت را بررسی کرده و اطمینان حاصل نمایند که اصل سهم الشرکه و سود مورد نظر ناشی از مشارکت مدنی، در طول مدت قرارداد قابل برگشت، و مشارکت قابل تسویه است.

لازم به ذکر است که در شیوه‌های اجرایی کنونی نظام بانکی، نباید سهم سود بانک از سود پیش‌بینی شده ناشی از قراردادهای مشارکت مدنی، از سود مورد انتظار، که طبق حداقل نرخ تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار برآورد می‌گردد، کمتر باشد.

وضعیت موجود عملیات حسابداری قرارداد مشارکت مدنی

آنچه در حال حاضر در ثبت عملیات حسابداری قراردادهای مشارکت در جریان است، می‌توان در قالب جدول زیر مشاهده نمود:

جدول ۲: فرآیند حسابداری در قرارداد مشارکت مدنی

شماره ثبت	نام ثبت
۱	ثبت قرارداد
۲	اخذ وثایق و تضمینات
۳	واریز سرمایه مشارکت
۴	استفاده از سرمایه مشارکت مدنی
۵	دریافت وجوه حاصل از فروش کالا یا اموال موضوع مشارکت
۶	محاسبه سود و تسویه حساب مشارکت مدنی
۷	خاتمه عملیات و برگشت حساب‌های انتظامی

۱) ثبت قرارداد:

بستانکار	بدهکار
طرف حساب‌های انتظامی قراردادها (قراردادهای مشارکت مدنی) ۱ ریال	حساب انتظامی قراردادها (قراردادهای مشارکت مدنی) ۱ ریال

۲) اخذ وثایق و تضمینات:

بستانکار	بدهکار
حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ سهم الشرکه شریک یا شرکا	حساب سپرده قرض الحسنه جاری/پس انداز شریک به مبلغ سهم الشرکه شریک یا شرکا

۳) واریز سرمایه مشارکت

بستانکار	بدهکار
حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ سهم الشرکه شریک یا شرکا	حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی به مبلغ سهم الشرکه شریک یا شرکا

در صورتی که تمام یا قسمتی از سهم الشرکه شریک یا بانک غیر نقدی باشد نیز ثبت ذیل انجام می‌گیرد:

بستانکار	بدهکار
حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ تقویم شده سهم شریک/سهم بانک	حساب بدهکاران موقت به مبلغ تقویم شده سهم شریک/سهم بانک

بستانکار	بدهکار
حساب بدهکاران موقت به مبلغ تقویم شده سهم شریک/سهم بانک	حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ تقویم شده سهم شریک/سهم بانک

۴) استفاده از سرمایه مشارکت مدنی

بستانکار	بدهکار
حساب سپرده قرض الحسنه /پس انداز به مبلغ هزینه‌های لازم برای انجام کار	حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ هزینه‌های لازم برای انجام کار

۵) دریافت وجوه حاصل از فروش کالا یا اموال موضوع مشارکت

بستانکار	بدهکار
حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ فروخته شده	سپرده قرض الحسنه جاری/پس انداز خریدار به مبلغ فروخته شده

۶) محاسبه سود و تسویه حساب مشارکت مدنی

بستانکار	بدهکار
حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی به مبلغ سهم سرمایه بانک در مشارکت مدنی حساب سپرده قرض الحسنه جاری/پس انداز شریک به مبلغ سهم سرمایه شریک	حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ کل سرمایه مشارکت (بانک و شریک)

الف) در صورتی که نتیجه حاکی از سود باشد :

بستانکار	بدهکار
حساب قرض الحسنه جاری / پس انداز شریک به مبلغ سود شریک	حساب مشترک مشارکت مدنی معادل کل سود
	حساب درآمد معاملات (مشارکت مدنی) به مبلغ سود بانک

ب) در صورتی که نتیجه حاکی از زیان باشد:

حالت ۱: مانده بستانکار حساب مشترک مشارکت مدنی، بیش از سرمایه سهم بانک باشد:

بستانکار	بدهکار
حساب سپرده قرض الحسنه جاری به مبلغ باقی مانده حساب مشترک مشارکت مدنی	حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ مانده حساب
	حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی به مبلغ سهم سرمایه پرداختی بانک

ج) بابت پرداخت قسمتی از سرمایه پرداختی شریک

حالت ۲: مانده حساب مشترک مشارکت مدنی تکافوی سهم سرمایه بانک را ننماید:

بستانکار	بدهکار
حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی معادل سهم سرمایه بانک	حساب مشترک مشارکت مدنی معادل سهم سرمایه بانک

بستانکار	بدهکار
حساب مشترک مشارکت مدنی به میزان زیان حاصل	حساب قرض الحسنه / پس انداز / جاری شریک به میزان زیان حاصل

۷) خاتمه عملیات و برگشت حساب‌های انتظامی: (همانند ثبت قبلی در خصوص مضاربه انجام می‌گیرد).

چنانچه سهم الشرکه بانک در مشارکت مدنی به صورت فروش اقساطی قابل واگذاری باشد به این صورت محاسبه می‌شود: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) (شیوه‌نامه حسابداری عملیات بانکداری بدون ربا مرکزی جمهوری اسلامی ایران):

بستانکار	بدهکار
درآمد سال‌های آتی - فروش اقساطی به میزان سود دوران تقسیط	حساب تسهیلات اعطایی فروش اقساطی به قیمت فروش نسیه سهم الشرکه بانک
حساب درآمد معاملات - مشارکت مدنی به میزان سود دوران مشارکت	حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی به قیمت تمام شده سهم الشرکه

نقد و بررسی

عملیات حساب‌داری قراردادهای مشارکت باید روندی مشابه آنچه ذکر شد، داشته باشد. با این حال، در عمل برخی از موارد مزبور انجام نگرفته است و یا به صورت کامل انجام نمی‌گیرد. برای مثال، واریز سهم الشرکه و یا تقویم غیرنقدی آن به ندرت، از سوی شریک انجام می‌گیرد. همچنین عملیات مربوط به

بندهای ۵ و ۶، که به نوعی تسویه حساب اصل و سود سرمایه بانک در قرارداد مشارکت است، معمولاً به صورت همزمان انجام می‌گیرد، در حالی که استاندارد حسابداری ۴ مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) در زمینه تأمین مالی مشارکت، تصریح دارد که سودها یا زیان‌های مرتبط با سهم بانک اسلامی حاصل از معاملات تأمین مالی مشارکت، که طی یک دوره مالی شروع و تمام می‌شود، در حساب‌های بانک اسلامی در زمان پرداخت و تسویه، شناسایی می‌گردد. برای مشارکت‌های بیش از یک دوره مالی نیز با سازوکار مشابهی چنین شیوه‌ای اعمال می‌شود.

از جمله دیگر ایرادهای وارد بر عملیات مزبور، می‌توان به بند ۶ «محاسبه سود و تسویه حساب مشارکت مدنی»، قسمت ب (در صورتی که نتیجه حاکی از زیان باشد) اشاره کرد. در حالت ۱ (مانده بستانکار حساب مشترک مشارکت مدنی بیش از سرمایه سهم بانک باشد)، بانک کل مبلغ موجود در حساب مشترک مشارک مدنی را بدهکار می‌نماید و به مقدار سهم سود، سرمایه از قبل تعیین شده بانک را به حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی واریز می‌کند، و در حالت ۲ (مانده حساب مشترک مشارکت مدنی تکافوی سهم سرمایه بانک را نمایند) نیز به مقدار زیان وارد شده از حساب قرض الحسنه (حساب عامل یا وام گیرنده) برداشت کرده و به حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی واریز می‌شود. لذا در هر دو حالت بانک از پذیرش زیان اجتناب کرده، کل زیان ناشی از اصل سرمایه و سود پیش‌بینی شده را از شریک مطالبه می‌نماید. این امر کاملاً با ماهیت اصلی قرارداد مشارکت، که زیان بر عهده تمام شرکاست، در تناقض قرار دارد. علاوه بر این، چنانچه قرار است اصل سرمایه و یا سود انتظاری آن مشمول بیمه گردد باید در فرایند مزبور ثبت مربوط به بیمه و یا سایر تعهدات شخص ثالث پیش‌بینی گردد.

در هر صورت، طبیعت «مشارکت» نوعی سرمایه‌گذاری است و نباید برای شریک وضعیتی همانند بدهکار در نظر گرفته شود. تأمین‌کننده وجه (بانک) خود در جریان مشارکت می‌تواند نظارت کامل داشته باشد، ریسک فرصت از دست رفته و یا سرمایه به عهده خود اوست و در تمام مدت مشارکت، این ریسک به طور کامل، متوجه تأمین‌کننده و جوه است و میزان نرخ بازگشت سرمایه قابل پیش‌بینی دقیق نبوده و سرمایه‌گذار در شرایط عدم اطمینان کامل قرار دارد. هزینه سرمایه و نرخ بازگشت سرمایه نیز در این حالت، کاملاً همبسته و - در حقیقت، می‌توان گفت که - یکسان است. (خستویی، ۱۳۷۰، ص ۴۵)

روش حسابداری مزبور موجب فاصله گرفتن از اصل و طبیعت مشارکت شده است (گنابادی، ۱۳۷۲، ص ۲۷). در مقابل، بانک با استفاده از اعتبارسنجی و نظارت کامل بر موضوع مشارکت، می‌تواند از سود انتظاری ثابت فاصله گرفته، در سود و زیان واقعی شریک نباشد.

با اقداماتی همانند «اعتبارسنجی مشتریان»، می‌توان از اهمیت دریافت وثیقه کاست و با نظارت کامل و دقیق بر قرارداد، اصلاحاتی بر عملیات حسابداری انجام داد تا ماهیت اصلی این قرارداد حفظ شود. برای مثال، نظارت و اعتبارسنجی نیازمند هزینه‌هایی است که می‌تواند با ورود به فرایند حسابداری قرارداد مشارکت، به عنوان بخشی از هزینه‌های عملیاتی، از طرف صاحب سرمایه (بانک) برای خود جایگاه کسب کند. برای پرداخت زیان واقعی ناشی از قرارداد نیز می‌توان روشی مانند ذیل به کار گرفت که با روح بانکداری بدون ربا سازگاری بیشتری دارد:

بستانکار	بدهکار
حساب سپرده قرض الحسنه جاری به نسبت سهم سرمایه شریک	حساب تسهیلات اعطایی - مشارکت مدنی به نسبت سهم سرمایه بانک
	حساب مشترک مشارکت مدنی به مبلغ مانده حساب

۳. قرارداد «اجاره به شرط تملیک»

«اجاره به شرط تملیک؛ عقد اجاره‌ای است که در آن شرط شود مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد.» (آیین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۸، ص ۹).

این عقد از سه بخش «خرید»، «اجاره» و «واگذاری یا فروش» تشکیل شده است. مراحل خرید و فروش در قالب عقد «بیع» و مرحله اجاره در چارچوب عقد «اجاره» انجام می‌گیرد (اسلام پناه و عباسیان، ۱۳۸۷، ص ۴۰). واگذاری و فروش موضوع اجاره را می‌توان به صورت‌های ذیل سامان داد:

اجاره به شرط تملیک از طریق هبه (انتقال مالکیت بدون هیچ عوضی)؛

اجاره به شرط تملیک از طریق انتقال مالکیت قانونی در پایان مدت اجاره در ازای دریافت عوض یا مبلغ دیگری که در اجاره‌نامه مشخص شده است.

اجاره به شرط تملیک از طریق انتقال مالکیت قانونی پیش از پایان مدت اجاره، به مبلغی که معادل مانده اقساط اجاره است.

اجاره به شرط تملیک از طریق انتقال تدریجی مالکیت قانونی دارای موضوع اجاره.

ویژگی‌های این قرارداد عبارت‌است از:

- عقدی لازم است.

- دارای تسهیلات میان مدت و بلندمدت است و برای گسترش فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و مسکن

کاربرد دارد.

- مدت اجاره به شرط تملیک حداقل دو سال است و نباید از طول عمر مفید اموال موضوع معامله

تجاوز نماید.

– مستأجر امین است و ضامن تلف شدن موضوع اجاره نخواهد بود، مگر در صورت تفریط و تعدی و یا در صورتی که ضمن عقد شرط، ضمان و منظور شود.

– بانک‌ها بنا بر درخواست کتبی و تعهد متقاضی، اموال منقول و غیر منقول را خریداری می‌کنند و در اختیار متقاضی قرار می‌دهند. خرید اموالی که به تشخیص بانک مصرف انحصاری داشته و یا بر اثر نصب و بهره‌برداری، استفادهٔ مجدد از آن مقرون به صرفه نباشد مجاز نخواهد بود، مگر در صورت اخذ تأمینات اضافی.

– مالکیت موضوع اجاره تا پایان مدت قرارداد و پرداخت تمام مال الاجاره همچنان به عهدهٔ بانک است و از این رو، اخذ وثیقه یا تضمین اضافی به‌ویژه در خصوص اموال غیر منقول ضرورتی ندارد (وحیدی، ۱۳۸۴، ص ۶۹).

وضعیت موجود در عملیات حسابداری عقد اجاره به شرط تملیک

آنچه را در حال حاضر، در ثبت عملیات حسابداری قراردادهای «اجاره به شرط تملیک» در جریان است، را می‌توان در قالب جدول ذیل مشاهده نمود.

جدول ۳: فرآیند حسابداری در قرارداد «اجاره به شرط تملیک»

شماره ثبت	نام ثبت
۱	ثبت قرارداد اجاره به شرط تملیک
۲	ثبت وثایق و تضمینات
۳	وصول پیش دریافت از مشتری
۴	پیش پرداخت به فروشنده / سازنده
۵	خرید اموال اجاره به شرط تملیک
۶	واگذاری اموال اجاره به شرط تملیک
۷	انعکاس اموال اجاره به شرط تملیک در حساب‌های انتظامی ذی ربط
۸	تغییرات قرارداد
۹	دریافت مال الاجاره
۱۰	تعدیل حساب سود سال‌های آینده
۱۱	عدم وصول به‌موقع اقساط اجاره
۱۲	وصول اقساط سررسید گذشته (موقتی)
۱۳	تسویهٔ حساب‌های اجاره به شرط تملیک در پایان قرارداد

۱) ثبت قرارداد:

۲) ثبت وثایق و تضمینات:

۳) وصول پیش دریافت از مشتری:

بدهکار	بستانکار
حساب صندوق / قرض الحسنه جاری / پس انداز مشتری به مبلغ پیش دریافت	حساب پیش دریافت از مشتریان بابت تسهیلات به مبلغ پیش دریافت

طبق مقررات معمول بانک‌ها، دست کم ۲۰ درصد قیمت دارایی به‌عنوان پیش‌دریافت از مشتری اخذ می‌شود.

۴) پیش‌پرداخت به فروشنده / سازنده:

بستانکار	بدهکار
حساب صندوق/ جاری فروشنده یا سازنده به مبلغ پیش‌پرداخت	حساب پیش‌پرداخت بابت خرید اموال معاملات اجاره به شرط تملیک به مبلغ پیش‌پرداخت

۵) خرید اموال اجاره به شرط تملیک:

بستانکار	بدهکار
چک‌های صادر شده فروخته شده به مبلغ کل قرارداد	حساب اموال خریداری شده برای اجاره به شرط تملیک (خصوصی/دولتی) به مبلغ کل قرارداد

۶) واگذاری اموال اجاره به شرط تملیک:

بستانکار	بدهکار
حساب سود سال‌های آینده_تسهیلات اجاره به شرط تملیک (خصوصی/دولتی) به مبلغ کل سود	حساب اموال خریداری شده برای اجاره به شرط تملیک (خصوصی/دولتی) به مبلغ کل قرارداد
	حساب تسهیلات اعطایی-اجاره به شرط تملیک به مبلغ کل موجودی (مبلغ کل قرارداد + مبلغ کل سود)

۷) انعکاس اموال اجاره به شرط تملیک در حساب‌های انتظامی ذی‌ربط:

بستانکار	بدهکار
طرف حساب‌های انتظامی_ اموال اجاره به شرط تملیک به قیمت اموال	حساب انتظامی - اموال اجاره به شرط تملیک به قیمت اموال

۸) تغییرات قرارداد:

* افزایش یا کاهش قرارداد به هر علت، مستلزم ثبت تغییرات ذی‌ربط در حساب‌های مزبور، حسب موضوع خواهد بود.

۹) دریافت مال الاجاره:

بستانکار	بدهکار
تسهیلات اعطایی - اجاره به شرط تملیک به مبلغ اقساط	حساب صندوق / جاری متقاضی به مبلغ اقساط

۱۰) تعدیل حساب سود سال‌های آینده:

بستانکار	بدهکار
سود دریافتی تسهیلات اجاره به شرط تملیک به مبلغ سود هر قسط	حساب سود سال‌های آینده - تسهیلات اجاره به شرط تملیک به مبلغ سود هر قسط

در پایان سال، به منظور مشخص ساختن درآمد دوره مربوط و تعدیل حساب وجوه استیجاره سال‌های آینده، عملیات مزبور صورت می‌گیرد.

۱۱) عدم وصول به موقع اقساط اجاره:

بستانکار	بدهکار
حساب تسهیلات اعطایی اجاره به شرط تملیک به مبلغ اجاره معوق	حساب مطالبات سررسید گذشته (معوق) تسهیلات به مبلغ اجاره معوق

چنانچه اقساط اجاره به موقع وصول نگردد، معادل اقساط اجاره از حساب تسهیلات اعطایی خارج و به حساب مطالبات معوق اجاره به شرط تملیک منتقل می‌شود و پس از دریافت همانند عملیات مزبور عمل شده، جریمه متعلق به آن مستقیماً به حساب درآمد بانک منظور می‌شود.

۱۲) وصول اقساط سررسید گذشته / معوق:

بستانکار	بدهکار
حساب مطالبات سررسید گذشته (معوق) تسهیلات به مبلغ وصولی اقساط سررسید گذشته	حساب صندوق جاری متقاضی به مبلغ وصولی اقساط سررسید گذشته

۱۳) تسویه حسابهای اجاره به شرط تملیک در پایان قرارداد: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ؟، ص؟)

بستانکار	بدهکار
حساب انتظامی قراردادهای اجاره به شرط تملیک ۱ ریال	طرف حسابهای انتظامی قراردادهای اجاره به شرط تملیک ۱ ریال

بستانکار	بدهکار
حساب انتظامی وثایق و تضمینات مربوط به مبلغ رهنه یا اسمی	طرف حسابهای انتظامی وثایق و تضمینات مربوط به مبلغ رهنه یا اسمی

نقد و بررسی

مهم‌ترین ایراد وارد بر حسابداری قراردادهای اجاره به شرط تملیک این است که برای خرید دارایی‌های تحصیل شده برای اجاره، اقدامات واقعی انجام نمی‌گیرد و صرفاً مبلغی معادل پیش‌فاکتور ارائه شده توسط مشتری مبنای ثبت‌های حسابداری مذکور است، در حالی که استاندارد ۸ مؤسسات مالی اسلامی تأکید دارد که «دارایی‌های تحصیل شده برای اجاره، باید در زمان تحصیل به بهای تمام شده ارزیابی شوند». این بهای تمام شده شامل تمام هزینه‌های لازم برای قابل استفاده کردن دارایی مذکور جهت اجاره می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه در اجاره به شرط تملیک روش‌های مختلفی برای واگذاری دارایی وجود دارد، فرایند موجود هیچ‌گونه تعیین یا انعطافی در زمینه واگذاری اموال موضوع اجاره ندارد.

علاوه بر این، دریافت جریمه بابت تأخیر در پرداخت اجاره، از نظر فقهی، محل اشکال است، ضمن اینکه در صورت قرارداد اجاره کاهنده، لازم است جریمه متناسب با سهم متغیر و در حال کاهش بانک از مال الاجاره باشد.

همچنین در عمل و به صورت واقعی، بسیاری از قراردادهای اجاره به گونه‌ای است که بهای کامل خرید کالا توسط بانک پرداخت نمی‌شود و مستأجر خود نیز مالک بخشی از مال الاجاره به صورت مشاع است. این وضعیت نیز اصلاً خود را در ثبت‌های حسابداری نشان نمی‌دهد؛ چراکه به پیچیدگی بیشتر فرایند حسابداری می‌انجامد و به همین علت، از آن پرهیز می‌گردد (دادگر، ۱۳۷۰، ص ۵۷).

شایان ذکر است که به علت ماهیت سود ثابت در عقود مبادله‌ای مانند «اجاره به شرط تملیک» برخلاف عقود مشارکتی، که بازده متغیر آنها نیز باید در حسابداری مورد توجه قرار می‌گرفت، حسابداری این عقود از مشکل کمتری برخوردار است و ساده‌تر می‌توان آنها را با فرایندهای بانکداری متعارف سازگار نمود. به عبارت دیگر، لازم نیست بانک تا پایان مدت برای تعیین دقیق سود منتظر بماند، بلکه خود را کنار می‌کشد و سود از پیش تعیین شده و غیر شناور را در سررسیدهای معین مطالبه می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به تحلیل وضعیت حسابداری تخصیص منابع (مضاربه، مشارکت و اجاره به شرط تملیک) در بانکداری اسلامی پرداخته‌ایم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که الگوی حسابداری و گزارش‌گری مالی مرسوم در بانکداری ایران، از قابلیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران و تامین الزامات شرعی حاکم بر قانون «عملیات بانکی بدون ربا» برخوردار نیست.

در قرارداد «مضاربه» و «مشارکت»، عامل بدهکار تلقی نمی‌شود و ملزم به بازپرداخت اصل پول یا پرداخت سود حتمی و مشخص نیست و حتی در صورت زیان، اگر مشخص شود عامل در انجام تجارت کوتاهی نکرده، زیان بر عهده تأمین‌کننده سرمایه است. ولی با توجه به عملیات حسابداری این عقود در نظام بانکی کشور، عامل بدهکار تلقی شده، ملزم به بازپرداخت اصل پول است و در صورت زیان، ملزم به جبران خسارت است. رویه مزبور این عقود را از طبیعت خود دور کرده، و کارکردی مشابه بانکداری سنتی تسهیلات دارد.

در قرارداد «اجاره بشرط تملیک» چون عامل بدهکار تلقی می‌شود و نرخ سود مشخص است، عملیات حسابداری معمول با طبیعت این عقد منافاتی ندارد، ولی به درستی از آن استفاده نمی‌شود و این قرارداد جنبه صوری دارد.

الگوی حسابداری معمول در نظام بانکی کشور از قابلیت‌های لازم برای نگاه‌داری حساب و گزارش‌گری سود یا زیان مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد حاصل از عقود مشارکتی برخوردار نیست.

با توجه به نتایج مطالعه مبنی بر ضرورت بازنگری در وضع رایج گزارش‌گری مالی بانک‌های کشور، پیشنهادهای عملیاتی زیر ارائه می‌شود:

۱. مناسب است که مراجع حرف‌های مسئول تدوین مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و گزارش‌گری مالی کشور، به ویژه سازمان حسابداری و جامعه حسابداران رسمی کشور، با همکاری نزدیک «شورای پول و اعتبار» و سایر ارکان نظارتی بانک «مرکزی» و از طریق تشکیل کارگروهی ویژه برای بانکداری اسلامی، نسبت به بررسی جامع و تدوین چارچوب نظری و استانداردهای حسابداری لازم برای این حوزه اقدام نمایند.

۲. بانک «مرکزی» و «شورای پول و اعتبار» می‌توانند با تشکیل هیأت نظارت شرعی و ارائه و افشای نظر مستقل این هیأت در زمینه تطابق فعالیت‌ها و عقود گوناگون با اصول و الزامات شرعی در بانک‌های کشور، تحقیقات جامعی انجام دهد و حسب نتیجه، اقدام نماید.

۳. از آنجا که، کاربر اطلاعات مالی مرتبط با عملیات بانکداری بدون ربا در استفاده از گزارش‌های مالی بانک‌های اسلامی، در وهله اول، به دنبال حصول اطمینان از نحوه عمل بانک‌ها درباره این عملیات است، معیار بعدی وی در انتخاب یک بانک اسلامی برای سرمایه‌گذاری، تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی است. بنابراین، گزارش‌های مالی یک بانک اسلامی باید بتواند او را در این موضوع خطیر یاری رساند. تحقق این امر مستلزم آن است که نظام حسابداری و گزارش‌گری مالی بانک‌های اسلامی از چارچوب نظری برای تدوین اهداف حسابداری استفاده نماید و بر مسئولیت پاسخ‌گویی تمرکز داشته باشد.

۴. تفکیک درآمد و سود حاصل از عقود گوناگون در حسابداری بانک‌های کشور، رعایت الزامات حاکم بر قانون عملیات «بانکداری بدون ربا» را تسهیل نموده، و آن را امکان‌پذیرتر می‌سازد.

۵. محاسبه سود مبتنی بر عملکرد واقعی توسط بانک‌ها و اعمال درآمد و در نتیجه، سود براساس نرخ‌های مورد انتظار به صورت تضمینی و بدون توجه به نتایج عملکرد موضوع مشارکت، با مفاد قانون «عملیات بانکداری بدون ربا» و ضوابط شرعی ناظر بر آن به‌طور کامل منطبق نیست و لازم است براساس نتایج عملکرد واقعی، تعدیلات لازم در حساب‌ها صورت پذیرد.

۶. تشکیل هیأت نظارت شرعی و مراقبت کامل این هیأت در زمینه تطابق فعالیت‌ها و عقود گوناگون با اصول و الزامات شرعی ضرورت دارد.

۷. ارائه اطلاعات مربوط به رعایت الزامات شرعی باعث بهبود عملکرد بانک را در پی دارد.

۸. افشای سیاست‌ها و شیوه‌های بانک در اخذ و شناسایی سود از الزامات عقود مشارکتی به شمار می‌رود.

این مطالعه را می‌توان آغازی برای انجام مطالعات تکمیلی در حوزه حساب‌داری و گزارش‌گری مالی بانک‌داری اسلامی در کشور دانست که در صورت تداوم و توجه، می‌تواند منجر به ارتقای عملکرد بانک‌داری اسلامی در کشور گردد. بنابراین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنای مطالعات و تحقیقات بعدی قرار گیرد.

منابع

- آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، تصویب نامه شماره ۸۶۲۰ هیئت وزیران، مصوب ۱۳۶۲/۷/۸.
- سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)، ۱۳۸۹، *استانداردهای حسابداری مؤسسات مالی اسلامی*، ترجمه علی اکبر جابری، تهران، سازمان حسابرسی.
- اسلام‌پناه، علی و رضا عباسیان، ۱۳۸۸، «ماهیت حقوقی اجاره به شرط تملیک»، *حقوق*، ش ۳۹، ص ۲۳ - ۴۴.
- احسانی، محمدعلی، ۱۳۸۲، «حسابداری عقد مشارکت مدنی توسط اشخاص طرف قرارداد بانک»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ش ۲۰، ص ۷۴ - ۹۷.
- باباجانی، جعفر، ۱۳۸۹، «ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی و چالش‌های فراوری آن»، *حسابرس*، ش ۴۹، ص ۶۸ - ۸۳.
- باباجانی، جعفر و جواد شکرخواه، ۱۳۹۱، «مدل مناسب حسابداری اسلامی در ایران بر تأکید بر عقود مشارکتی»، *بورس اوراق بهادار*، ش ۱۷، ص ۱۶۳ - ۱۹۲.
- بهمنی، محمود، ۱۳۷۹، «بررسی عقد مضاربه و عملکرد آن در بانک‌های تجاری کشور (۲)»، *بانک و اقتصاد*، ش ۱۰، ص ۳۴ - ۳۸.
- خستویی، هوشنگ، ۱۳۷۰، «حسابداری عقد مشارکت مدنی توسط اشخاص طرف قرارداد بانک»، *حسابدار*، ش ۷، ص ۴۹ - ۶۰.
- خسروی فارسانی، محسن، ۱۳۸۵، *میزان انطباق رویه‌های حسابداری بانک‌ها و مقایسه با استانداردهای حسابداری مالی اسلامی و استاندارد بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشت، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- دادگر، مسعود، ۱۳۷۰، «حسابداری اجاره به شرط تملیک»، *حسابدار*، ش ۷، ص ۵۴ - ۵۹.
- دلقندی، سیدابوالفضل، ۱۳۷۶، «بررسی ساختارهای مالی و حسابداری عملیات بانکی بدون ربا»، در: *مجموعه مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.
- شاکری، عباس، ۱۳۸۷، *نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان*، تهران، پارس نویسا.
- علوی رضوی، سیدحجی، ۱۳۸۸، *بانکداری بدون ربا (چالش‌ها و راهکارها)*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- علی مدد، مصطفی، ۱۳۸۲، «استانداردهای حسابداری و نقد حسابداری و گزارشگری مالی در بانک‌های ایران»، *حسابرس*، ش ۲۱، ص ۱۶ - ۲۷.
- فروغی، سیدعلیرضا، ۱۳۸۱، «بررسی فقهی و حقوقی اشتراط مدت در عقد مضاربه»، *رهنمون*، ش ۱، ص ۹۹ - ۱۱۲.
- کیومرث، سهیلی، ۱۳۸۷، «مقایسه نظری کارایی بانکداری غیرریوی و ریوی در تجهیز و تخصیص منابع»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۱۱۳ - ۱۳۸.

گنابادی، محمود، ۱۳۷۲، «تکنیک‌های تأمین مالی در اسلام و استانداردهای حسابداری»، *بررسی‌های حسابداری*، ش ۳، ص ۴۴-۲۲.

مصباحی مقدم، غلامرضا و دیگران، ۱۳۸۹، «بررسی فقهی و حقوقی اوراق بهادار مضاربه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۸، ص ۱۴۷-۱۷۴.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۹، «بررسی فقهی - اقتصادی ابزارهای جایگزین عملیات بازار باز و معرفی ابزارهای جدید»، در: *مجموعه مقالات سیاست پولی (۲)*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

_____، ۱۳۸۴، «ارزیابی قرارداد و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹، ص ۷۰-۴۵.

نصرآبادی، داوود و احمد شعبانی، ۱۳۸۷، «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۱۱۲-۷۷.

والی‌نژاد، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه قوانین و مقررات بانکی*، تهران، مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی.

وحیدی، امیرحسین ۱۳۸۴، «تحلیلی پیرامون عقد اجاره به شرط تملیک»، *کانون*، ش ۴۸، ص ۸۵-۶۰ و فادار، علی، ۱۳۸۵، «اجاره به شرط تملیک»، *حقوق*، ش ۳۸، ص ۳۵۱-۳۷۲.

Ahmed, M, 2010, *Practice of Mudaraba and Musharaka in Islamic Banking*.

Badreldin, G.M, 2003, *The Implementation of Accounting Standards for Islamic Banks: A Study of Preparers' and Auditors' Opinions in Sudan*. University of Surrey, School of Management.

IASC, 2009, *Framework Preparation and Presentation of Financial Statements*, IASC Publication Department, London, UK.

<http://www.aaofii.com>

<http://www.ifac.org>